

نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی

احکام صادره

کلاسه پرونده: ۱۰۰۱/۱۲

حکم شماره: ۳۷۲-۸۳/۹/۲۵

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت شعبه:

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای..... نسبت به رأی کانون وکلای دادگستری

مرکز

خلاصه جریان پرونده: آقای..... شکواییه‌ای به کانون وکلای دادگستری مرکز تقدیم که به شماره ۱۲۶-۸۲/۱/۱۷ ثبت دفتر کانون گردیده اظهار داشته جهت انجام کارهای مختلف وکالتی به خانم..... کارآموز وکالت طبق قرارداد وکالت داده برای چند پرونده وکالتی از جمله پرونده‌ای در مجتمع قضایی رسالت و پرونده دیگری در محاکم قضایی زاهدان به وکیل نامبرده مبلغ دو میلیون تومان حق الوکاله پرداخت نموده ولی ایشان بعد از ۴ بار رفت و آمد به زاهدان کاری برای او انجام نداده و بعد از مدتی از وکالت شاکی استعفا داده و همچنین شاکی مدعی گردیده خانم..... چند قلم اجناس منزل او را به عنوان گروه حق الوکاله برداشته و وجه آنها را نیز نپرداخته و اسناد و مدارکی را که جهت انجام امور وکالتی تحویل مشارالیها داده است با وصف مطالبه از وی مسترد ننموده است

خانم.... در پاسخ به شکواییه آقای.... لایحه‌ای مشروح و مفصل به کانون ارسال که با شماره ۸۲/۲/۲۲-۳۲۴۶ ثبت و مدارکی مبنی بر انجام بخشی از کارهای مختلف وکالتی شاکی ارسال نموده و حضوراً نیز توضیح داده که علی‌رغم انجام کلیه کارهای ارجاعی از طرف ایشان در مدت ۹ ماه چون برخلاف تعهد اخلاقی و شفاهی حق‌الوکاله نپرداخته و از وکالت استعفا داده در مورد وسایل منزل نیز اظهار داشته که موقع حراج وسایل منزل ایشان را خریداری کردیم و مبلغی را نقداً پرداختم و بقیه را که ناچیز بود چون برخورد مناسبی نداشت نپرداختیم و در مورد مدارک مربوطه به دعاوی ایشان مکرراً از ایشان خواسته‌ام برای گرفتن مدارک مراجعه نمایند متأسفانه نیامده است نهایتاً اخیراً طی لایحه ۲۱۳۳۰- ۸۲/۹/۲۳ تقدیم دادسرا کرده‌اند که به شاکی تحویل داده شده است.

آقای.... بعد از تحویل مدارک مجدداً لایحه‌ای به شماره ثبت ۸۲/۱۰/۲-۲۲۱۲۱ تقدیم دادسرا کرده‌اند و مجدداً مطالبه وجوه و بخش دیگری از اسناد و مدارک و مطالبه خسارت وارده را نموده است. دادسرا انتظامی کانون پس از بررسی‌های لازم عقیده به تعقیب خانم.... داشته و طبق کیفرخواست شماره ۳۷/۸۲- ۸۲/۱۰/۱۶ تقاضای صدور مجازات انتظامی ایشان از درجه ۴ را نموده است. در تاریخ ۸۲/۱۱/۶ شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلا به دادگستری تشکیل و پس از بررسی‌های لازم حکم برائت خانم.... را صادر و اعلام نموده است. آقای.... لایحه‌ای که به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال که به شماره ۱۲۲۳۰- ۸۲/۱۲/۲۲ ثبت دفتر این دادگاه گردیده نسبت به رأی مورخ ۸۲/۱۱/۶ شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز معترض گردیده و اظهار داشته بنده برای گفته‌های خود شهادتی دارم ضمناً خواسته‌های خود را تکرار نموده است. کانون وکلای دادگستری مرکز در خصوص اعتراض آقای.... نسبت به رأی شماره ۸۲/۱۱/۶-۵۷/۸۲/۵ صادره از شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز نامه‌ای ارسال و اظهار داشته شاکی محترم طی شکواییه مورخ ۸۲/۱/۱۷-۱۲۶ مدعی شده‌اند که برای انجام چند پرونده وکالتی از جمله پرونده‌ای در

مجمع رسالت و پرونده دیگری در محاکم قضایی زاهدان مبلغ ۲ میلیون تومان حق الوکاله به خانم.... کارآموز سابق وکالت که در حال حاضر وکیل پایه یک دادگستری می باشد پرداخت نموده ولی مشارالیها کاری برای او انجام نداده و بعد از مدتی از وکالت شاکی استعفا داده است شاکی همچنین مدعی گردیده که خانم وکیل چند قلم اجناس منزل او را به عنوان گرو حق الوکاله برداشته و وجه آنها را نیز پرداخته و اسناد و مدارکی را که جهت انجام امور وکالتی تحویل مشارالیها داده است با وصف مطالبه از وی مسترد نکرده است خانم.... طی لایحه ای ضمن ارایه اسناد و مدارک مثبته دایر بر پی گیری کارهای وکالتی شاکی مشروحاً بیان داشته است که به منظور انجام کارهای متعدد از شاکی قبول وکالت نمودم ولی سه ماه بعد از تنظیم وکالتنامه و انجام بخشی از کارهای ارجاعی ایشان چون حق الوکاله را پرداخت نکرده از وکالت ایشان استعفا دادم و ادعای ایشان در مورد مبلغ دو میلیون تومان حق الوکاله و همچنین گرو برداشتن چند قلم اجناس منزل وی در قبال مطالبه حق الوکاله تکذیب می نمایم و درخصوص عدم عودت مدارک مربوط به دعوی شاکی اظهار داشته است که مکرراً از ایشان خواسته ام برای تحویل مدارک مراجعه نمایند ولی از آمدن امتناع نموده و نهایتاً طی لایحه ای که تقدیم دادرسی کانون نموده اعلام کرده که مدارک شاکی را تحویل وی داده است. با توجه به مراتب اولاً شاکی انتظامی در حالی که مدعی است با خانم وکیل قرارداد حق الوکاله داشته و مبلغ دو میلیون تومان به ایشان حق الوکاله پرداخته است اما برای هیچ یک از دو مدعای خود مستند و دلیلی ارایه نکرده است. در مقابل خانم.... حدود یک سال پس از اخذ وکالت شاکی و اقدامات وکالتی طی اظهارنامه خطاب به موکل خود (شاکی انتظامی) ضمن اشاره به اقدامات انجام شد و مطالبه حق الوکاله به نامبرده اعلام نموده که هیچ مبلغی تاکنون بابت حق الوکاله به اینجانب پرداخت ننموده اید که البته از طرف آقای.... هیچ گونه پاسخی به این اظهارنامه داده نشده است ولی به هر تقدیر چنانچه شاکی به ادعای خود در زمینه مالی علیه خانم وکیل باقی باشد می تواند به محاکم ذیصلاح دادگستری مراجعه

و احقاق حق نماید درخصوص ادعای دیگری آقای.... در شکواییه تقدیم دایر بر اینکه (در تاریخ ۸۱/۳/۹ خانم.... به اتفاق شوهرش به منزل ما آمد و تلویزیون ۲۱ اینچ و.... برداشته و قریب هفتصد هزار تومان وسایل مراگرو حق الوکاله گرفته است) مشخص و معلوم نکرده‌اند چگونه و با چه وسیله‌ای خانم.... وسایل شاکی را در جلوی چشمان وی و بدون رضایت مشارالیه از منزل نامبرده برداشته و به عبارتی گروکشی کرده است که به هر صورت با عنایت به اینکه آقای.... در این ارتباط نیز مبلغ هفتصد هزار تومان خود را طلبکار می‌داند در این خصوص به مرجع رسیدگی به ادعای نامبرده محاکم صالحه قضایی می‌باشد. ثانیاً ادعای شاکی دایر بر عدم تعقیب پرونده‌های وی از ناحیه خانم.... با عنایت به اسناد و مدارک ارایه شده از سوی وکیل (مضبوط در پرونده) مبتنی بر واقع نبوده و خلاف مدعای وی را ثابت می‌کند و صراحتاً اعلام می‌دارد تخلفی مستند و محکمه پسند متوجه وکیل محترم خانم.... متصور نبوده و دادنامه صادره از شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای دایر بر صدور حکم برائت مشارالیه از تخلفات متنسبه صحیحاً و منطبق با موازین و مقررات قانونی صادر گردیده است. دادگاه با توجه به مراتب و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی دادگاه

اعتراض آقای.... نسبت به دادنامه شماره ۲۷۲۱۰ شعبه پنجم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز موضوع نامه شماره ۱۷۲-۱۸/۱۲/۸۲ آن کانون وارد بنظر می‌رسد زیرا اولاً خانم.... وکیل آقای.... به شرح فتوکیبی نامه تقدیمی شاکی انتظامی ممضا به امضای خانم.... و همچنین حسب اقرار ایشان در لایحه تقدیمی به دادرسی انتظامی کانون (اوراق ۳۲ الی ۳۶ پرونده) مشارلیها در تاریخ ۸۰/۱۱/۳ از وکالت آقای.... در تمامی پرونده‌های مطروحه استعفا داده علاوه بر اینکه در نامه ارسالی به موکلش اعلام نکرده

بابت حق الوکاله طلبی دارد تذکری نیز به موکلش نداده که جهت اخذ اسناد و مدارک به وی مراجعه کند که پس از طرح شکایت انتظامی و مطالبه مکرر اسناد و مدارک نهایتاً خانم... در تاریخ ۸۲/۹/۲۵ یعنی یکسال و اندی بعد مدارک شاکی انتظامی را به دادسرای انتظامی تحویل داده و هیچ گونه دلیل و مدرکی از طرف خانم... که به موکلش اعلام کرده باشد که جهت اخذ مدارک به وی مراجعه کند در پرونده موجود نیست حق این بود زمان استعفا تکلیف مدارک شاکی را نیز مشخص می‌کرد ثانیاً خانم... حسب اقرار صریح خود در لایحه تقدیم به دادسرای انتظامی کانون (صفحات ۳۲ الی ۳۶ پرونده) در تاریخ ۸۱/۳/۹ چند ماه پس از استعفا بدون اینکه ادعایی در خصوص حق الوکاله داشته باشد قسمتی از اموال موکلش را خریداری کرده و مدعی شده اجناس خریداری شده برخلاف ادعای شاکی انتظامی به مبلغ دو میلیون ریال بوده که یک میلیون ریال را نقداً پرداخت کرده و در لایحه خود ادامه داده... (لیکن مزاحمت‌هایی که نامبرده و همسرش و پسرش برای او ایجاد می‌کرده‌اند بنده مانع پرداخت توسط همسرم گردیدم...) با توجه به متن لایحه خانم... و جزئیات امر که شخص ایشان در لایحه خود مرقوم داشته‌اند علت عدم پرداخت طلب مسلم آقای... طلب ایشان بابت حق الوکاله نبوده بلکه براساس دخالت همسر و پسرش شاکی انتظامی و مزاحمت‌های ایشان بوده که بقیه ثمن معامله را به موکل سابقش پرداخت نکرده که این نحو اعمال وکیل که مغایر با شئون وکالتی است قابل توجیه نیست ثالثاً فتوکیبی نامه مورخ ۸۱/۸/۱۱ که توسط شاکی انتظامی تقدیم شد. خانم... در تاریخ ۸۱/۸/۱۱ شرحی به شعبه دوازده دادگاه عمومی زاهدان می‌نویسد که اوراق اخطاریه را به نشانی جدید ایشان ارسال دارند و این در حالی است که نامبرده قبلاً در تاریخ ۸۰/۱۱/۳ از وکالت در پرونده کلاسه ۳۴۳/۸۰ شعبه ۱۲ دادگاه عمومی زاهدان استعفا داده بود و دخالت ایشان در پرونده مذکور پس از استعفا قابل تأمل است صرف نظر از اینکه نامه اخیر خانم... که به شعبه ۱۲ دادگاه عمومی زاهدان واقعیت داشته یا جز اقدامات مشارالیه در بندهای یک و دو خلاف شئون وکالت

بوده و نحوه عمل ایشان با توجه به اقایر نامبرده در لوایح تقدیمی قابل دفاع نیست و لذا با احراز تخلف نامبرده و انطباق عمل ایشان با بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال مصوب سال ۳۳ و بند ۴ ماده ۵۱ قانون وکالت سال ۱۳۱۵ و رعایت ماده ۸۳ آیین‌نامه مذکور با رعایت تخفیف به لحاظ نداشتن محکومیت انتظامی با پذیرش اعتراض شاکی انتظامی و نقض رأی معترض علیه خانم.... را به توییح با درج در مجله محکوم می‌نماید.



کلاسه پرونده: ۱۰۰۰/۵

حکم شماره: ۸۳/۸/۱۴-۳۲۱

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت شعبه:

موضوع پرونده: رسیدگی به اعتراض آقای.... کارآموز وکالت دادگستری نسبت به رأی شماره ۲۸-۲۲۰۳/۱۰/۸۲ صادر شده از سوی شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز که اشعار بر ابطال پروانه کارآموزی وکالت معترض دارد.

خلاصه جریانی پرونده: آقای.... به موجب شکواییه مورخ ۸۱/۸/۹ خود تقدیمی به کانون وکلای دادگستری مرکز، اعلام کرده آقای.... کارآموز وکالت که در اسلامشهر دفتر وکالت دایر کرده شخصاً چک شماره ۹۹۶۵۹۰ را که مبلغ آن ده میلیون ریال بوده با جعل به مبلغ دومیلیارد ریال تغییر داده و شخصاً به بانک برده و برگشت زده و با اخذ گواهی عدم پرداخت علیه اینجانب شکایت کرده و در حضور عده‌ای گفته که من می‌دانم چک

یک میلیون تومان بوده است اکنون که کارآموز است چنین کاری کرده اگر وکیل بشود چه به سر مردم می آورد تقاضای رسیدگی دارم. شاکی فتوکپی نظریه کارشناس خط را که اظهار نظر نموده مبلغ چک دستکاری و جعل شده و ایضاً تصویر اخطاریه و گواهینامه عدم پرداخت مربوط به چک مورد شکایت و تصویر چک و ظهر آن را به همراه یک برگ استشهادیه که به امضای چند نفر رسیده و شهود تأیید کرده اند که... اعتراف به یک میلیون تومان بودن وجه چک مورد شکایت کرده است را ارایه کرده است همچنین تصویر صورتجلسه مورخ ۸۱/۸/۱۵ دادگاه در خصوص اخذ تأمین از... و دیگر متهمین و نامه جلب نامبرده ضمیمه شکواییه شده است. آقای... وکیل دادگستری طی لایحه تقدیمی به کانون وکلای مرکز که به شماره ۲۲۰۴۶ - ۸۱/۱۱/۲۱ ثبت دفتر کانون شده اعلام نموده... کارآموز وکالت که تحت سرپرستی او بوده بیش از یک بار به او مراجعه نداشته و ظاهراً در تهران و جاهای دیگر فعالیت دارد و در شعبه اول دادگاه چهاردانگه پرونده ای بکلاسه ۸۱/۱/۲۳۶۰ دارد. با ارسال نسخه ثانی شکواییه شاکی انتظامی برای آقای... نامبرده طی لایحه تسلیمی به کانون مذکور که به شماره ۸۲/۱/۲۸۹۶۳ ثبت دفتر کانون گردیده در پاسخ به شکایت... اجمالاً اظهار داشته اینجانب علیه... در شعبه اول دادگاه عمومی چهاردانگه به اتهام صدور چک بلامحل شکایت کرده ام و پرونده بکلاسه ۸۱/۱/۲۳۶۰ در جریان رسیدگی است و چک به اینجانب منتقل شده بود و بنده حق وصول وجه آن را داشته ام و همانند همه افراد اقدام به وصول وجه چک خود کرده ام و صادرکننده چک با واریز کردن وجه الضمان در صدد جلوگیری از پرداخت وجه چک شده و مدعی جعلی بودن مبلغ چک شده و بنده چک را از... گرفته ام و مبلغ آن را تغییر نداده ام و... در دادگاه اظهار داشت در قبال بدهی خود چک را با همان مبلغ که بوده به من داده است. استفاده از سند مجعول زمانی مصداق دارد که استفاده کننده علم به مجعول بودن سند داشته باشد بنده اطلاعاتی از مجعول بودن سند نداشتم و به عنوان اصیل وجه چک را مطالبه کرده ام نه به عنوان وکیل تقاضای صدور حکم بر رد شکایت

شاکی را دارم. شاکی انتظامی طی لایحه دیگری که به شماره ۳۵۹۹-۲۴/۲/۸۳ ثبت دفتر کانون وکلا شده ضمن درخواست تعقیب آقای.... کارآموز وکالت، فتوکپی مدارک دیگری از پرونده اتهامی نامبرده را ارسال داشته است دادسرای انتظامی کانون وکلای مرکز با تحقیق از آقای.... درخصوص شکایت مطروحه به شرح منعکس در صورتجلسه مورخ ۸۲/۲/۲۷ و بررسی سوابق کارآموزی مشارالیه، به موجب نظریه مورخ ۸۲/۷/۱۲ اظهار نظر نموده که آقای.... مرتکب تخلفات عدیده از جمله تغییر محل کار از بروجرد به اسلامشهر، تأسیس دفتر وکالت در اسلامشهر، قبول وکالت بدون نظارت وکیل سرپرست طرح دعوی علیه اشخاص به عنوان اصیل گردیده و طبق ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری پرونده به کمیسیون کارآموزی جهت بررسی ارجاع شود. کمیسیون کارآموزی کانون هم به موجب نظریه مورخ ۸۲/۷/۲۶ در اجرای مقررات تبصره ۳ ماده ۶ قانون مذکور پرونده را به نظر ریاست کانون رسانیده و ریاست کانون وکلای مرکز هم با موافقت با درخواست کمیسیون کارآموزی و دادسرای کانون پرونده را جهت رسیدگی به شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون وکلا ارجاع کرده است و دادگاه انتظامی کانون هم با رسیدگی به موضوع به موجب دادنامه شماره ۲۲۰۲۸-۳/۱۰/۸۲ به استناد تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۷۶ به لحاظ نداشتن حسن اخلاق و رفتار، حکم بر ابطال پروانه کارآموزی آقای.... را صادر نموده است رأی صادر شده به موجب نامه شماره ۸۲/۱۹۴/۲۰-۹/۱۰/۸۲ برای یاد شده ارسال شده است. شاکی انتظامی طی لایحه تقدیمی خود به کانون وکلا که به شماره ۲۴۱۵۲-۲۸/۱۰/۸۲ ثبت دفتر شده تصویر دادنامه شماره ۲۶۴۵ و ۲۶۴۷-۲۳/۹/۸۲ را که حکایت از تأیید دادنامه دادگاه بدوی بر محکومیت آقای.... دارد پیوست کرده است. آقای.... به موجب لایحه اعتراضیه تقدیمی به این دادگاه که به شماره ۱۱۹۰۵-۱۱/۲۹/۸۲ ثبت دفتر این شعبه گردیده نسبت به رأی صادر شده بر محکومیت خود اعتراض نموده و مطالبی

عنوان نموده است و نهایتاً استدعای پذیرش استغفار از گرفتاری و رسوایی ناشی از صدور حکم دادگاه انتظامی کانون وکلا نموده است. تصویر لایحه اعتراضیه آقای.... برای کانون وکلای مرکز ارسال شده و آن کانون هم طی لایحه دفاعیه تسلیمی که به شماره ۸۳/۱/۱۹-۱۶۰ ثبت دفتر شده، رأی صادر شده را صائب دانسته و درخواست صدور حکم بر تأیید آن را نموده است. دادگاه با بررسی مندرجات اوراق پرونده و با انجام مشاوره ختم رسیدگی اعلام و به شرح زیر مباردت به صدور رأی می نماید:

رأی دادگاه

اعتراض آقای.... کارآموز وکالت دادگستری نسبت به رأی شماره ۸۲/۱۰/۳-۲۲۰۲۸ شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز که اشعار بر ابطال پروانه کارآموزی یاد شده دارد وارد نیست. چه آنکه تصمیم متخذه براساس رسیدگی های انجام شده و تحقیق و بررسی اتخاذ گردیده و دادنامه شماره ۲۶۴۷ و ۲۶۴۶ و ۲۶۴۵-۸۲/۹/۲۳ صادر شده از شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که حکایت از محکومیت نامبرده به اتهام استفاده از سند مجعول دارد مؤید این معنی است و به لحاظ اینکه معترض ایراد و اعتراض موجه و مدلی نسبت به رأی معترض علیه به عمل نیآورده که قابل اعتنا و امعان نظر باشد و لذا ضمن رد اعتراض دادنامه شماره ۸۲/۱۰/۳-۲۲۰۲۸ شعبه سوم دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز تأیید و ابرام می شود.

شماره دادنامه: ۲۹۰۷

تاریخ صدور رأی: ۸۴/۲/۲۹

شماره کلاسه دادرسی: ۱/۸۴

مرجع رسیدگی: شعبه دوم

شماره کلاسه دادگاه: ..

گرددشکار: پس از وصول شکایت به دادرسی انتظامی و ثبت آن به کلاسه ۱/۸۴ نظر به اینکه با توجه به اوضاع و احوال قضیه اشتغال وکیل مشتکی عنه به وکالت با مصلحت تشخیص داده نشده بود در اجرای ماده ۱۸ لایحه استقلال کانون درخواست تعلیق وی گردید که با موافقت رییس کانون پرونده جهت رسیدگی به درخواست ابطال پروانه کارآموز موصوف به شعبه ارجاع شده است و پس از شور و امعان نظر در دلایل درخواست ابطال پروانه به شرح زیر مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌کند.

رأی دادگاه

در این پرونده آقای.... در تاریخ ۸۲/۱۰/۲ به استناد بند «د» اصلاح ماده ۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری درخواست صدور پروانه کارآموزی وکالت کرده‌اند، که منجر به صدور پروانه کارآموزی شماره ۴۸۲۷ مورخ ۸۲/۱۲/۲۶ کانون وکلای مرکزی شماره وکالت ۱۱۶۹۳ گردیده است.

نظر به اینکه به حکایت سوابق مربوط، نامبرده در سال ۱۳۵۷ از دانشکده افسری دانشگاه پلیس موفق به اخذ دانشنامه لیسانس در رشته علوم پلیس شده و در تاریخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۸ از دانشگاه آزاد اسلامی مدرک کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی اخذ کرده است و از طرفی آقای.... از تاریخ ۱۳۵۴/۵/۲۵ در نیروی انتظامی استخدام گردیده و در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۲۵ با احتساب دو سال

خدمت وظیفه و با درجه سرهنگی بازنشسته شده‌اند، هرچند حسب گواهی فرمانده نیروی انتظامی آقای.... از تاریخ ۷۶/۱۱/۲۰ لغایت ۸۲/۵/۲۵ در اداره حقوقی و معاضدت قضایی نیروی مذکور، مدیر حقوقی بوده‌اند لکن با توجه به اینکه به موجب بند «د» اصلاح ماده ۸ لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری می‌بایستی آقای.... در زمان تقاضای صدور پروانه کارآموزی علاوه بر داشتن ۳۰ سال سابقه خدمت، دارای لیسانس حقوق قضایی و پنج سال سابقه کار در سمت حقوقی با درجه لیسانس حقوق قضایی می‌بودند و داشتن فوق‌لیسانس حقوق خصوصی بدون داشتن لیسانس حقوقی قضایی یا داشتن ۵ سال سابقه کار حقوقی بدون داشتن لیسانس حقوق قضایی کفایت نکرده و شرایط مورد نظر مقنن را تأمین نمی‌کند (رای شماره ۲۳۳ مورخ ۱۳۸۲/۷/۱۴ پرونده کلاسه ۹۱۹/۲۸ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات نیز منطبق با همین معنی است) بنابراین آقای.... واجد شرایط مقرر و مصرح در بند «د» اصلاح ماده ۸ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری تشخیص نگردیده و رأی بر ابطال پروانه کارآموزی شماره ۸۲/۱۲/۲۶-۴۸۵۷ کانون وکلای مرکز شماره وکالت ۱۱۶۹۳ به نام آقای.... صادر و اعلام می‌کند.

شماره دادنامه: ۲۹۰۳

تاریخ صدور رأی: ۸۴/۲/۲۹

شماره کلاس دادسرا: ۱۶۲/۸۱

مرجع رسیدگی: شعبه چهارم

شماره کلاس دادگاه: ۳۰۶/۸۳-۳۷/۸۲

مشخصات شاکی: - کمیسیون ماده ۵۵

مشخصات مشتکی عنه:

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرا انتظامی و ثبت آن به کلاس ۱۶۲/۸۱ و صدور کیفرخواست سرانجام شعبه چهارم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌کند.

رأی دادگاه

در پرونده حاضر با عنایت به سوابق موجود، آقای.... وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای دادگستری مرکز، بدو جهت تحت تعقیب واقع شده‌اند - یکی شکایت کمیسیون ماده ۵۵ قانون وکالت است که به موجب آن اعلام شده است، آقای.... با نقض ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، با این که وکیل تهران هستند، مبادرت به تأسیس دفتری در یک بنگاه معاملات ملکی در شهرستان لواسان نموده است و با این کار باعث شده است که متصدی دفتر برخلاف حکم ماده ۵۵ قانون وکالت در اموری که در حیطه خاص وکلای دادگستری است مداخله کند و نتیجتاً او را حداقل از جهت نقض ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶ متخلف دانسته است.

شکایت دوم از طرف شخصی است به نام آقای.... که مدعی شده است آقای.... به این حق تجدیدنظرخواهی داشته‌اند اما از اقدام به این کار پس از صدور حکم بدوی علیه وی، خودداری کرده و نتیجتاً موجب ایراد ضرر به وی شده است - این شکواییه به

امضای افراد دیگری به نام‌های آقایان.... و.... هم رسیده است. فتوکپی دادنامه تجدیدنظر پیوست شده است که به شرح آن معلوم است، دادخواست تجدیدنظر آقایان.... و.... چون خارج از مهلت بوده است و رد شده است در ارتباط با شکایت کمیسیون ماده ۵۵ از آقای.... به شرح صورتمجلس مورخ ۸۰/۵/۴ موضوع برگ ۱۳ پرونده ۳۰۷/۸۳ این شعبه، مشتکی عنه با پذیرش ادعای قبول پذیرش در لواسانات و آشنایی با مسؤول دفتر معاملات ملکی مربوطه در قبال این سؤال که مطابق تحقیقات کمیسیون در هفته یک روز در دفتر مذکور حاضر می‌شوید و مشاوره داده و یا قبول وکالت می‌کنید آیا این مطلب درست است پاسخ داده‌اند بله هرگاه فردی کار حقوقی مراجعه می‌کرد از دفتر آقای.... که گاه‌بی‌گاه نماینده اینجانب در پرونده حقوقی است اطلاع می‌دهند و حسب قرار قبلی در اتاقی مجاور بنگاه با مراجعین مذاکراتی صورت می‌گیرد که ربطی به بنگاه ندارد. (برگ ۱۲ پرونده) ضمناً عکس اخذ شده از بنگاه حکایت از تصریح به «وکالت» در بنگاه مذکور دارد.

سرانجام آقای.... متخلف انتظامی دانسته شده و برابر بندهای ۱ و ۶ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلا ناظر به ماده ۷۶ آیین‌نامه مذکور برای ایشان تقاضای تعیین مجازات انتظامی شده است که محکمه در تاریخ دوازدهم خرداد ماه ۱۳۸۲ با رد مدافعات آقای.... در ارتباط با شکایت کمیسیون ماده ۵۵ نامبرده را به مجازات انتظامی درجه ۳ (تویخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون وکلا) و در مورد عدم تجدیدنظرخواهی با وصف وجود حق در وکالتنامه نامبرده را به مجازات درجه ۴ انتظامی که به شرح ماده ۷۶ تنزل درجه در نظر گرفته شده است، محکوم می‌کند (اوراق ۳۱ و ۳۲ پرونده ۳۰۶/۸۳) از حکم دادگاه انتظامی به محکمه محترم انتظامی شکایت شده است و محکمه محترم انتظامی به علت حذف بعضی از مواد آیین‌نامه توسط دیوان عدالت اداری حکم صادره را به لحاظ انطباق با بعضی از مواد حذف شده و نیز ضرورت اعمال ماده ۵۱ قانون وکالت و تفاوت مجازات انتظامی مندرج در بندهای ماده ۷۶

آیین‌نامه و ماده ۵۱ مذکور، تا جایی که به این پرونده ارتباط دارد، نقض کرده است و پرونده پس از نقض اعاده به این شعبه و ثبت به کلاسه جدید در دستور رسیدگی قرار گرفته است بدواً به شرح صورت‌مجلس ۱۳۸۳/۱۰/۲۸ کیفرخواست دادسرا اصلاح و به ایشان ابلاغ شده است و مشارالیه طی لایحه ثبت شده به شماره ۱۸۳۶۴-۱۷/۱۱/۸۳ به کیفرخواست اصلاحی پاسخ داده و ضمناً در جلسه حاضر نیز مطالبی را بیان داشته است. دادگاه مطالب و مدافعات آقای... به نحوی نیست که بتواند نامبرده را از تخلفات انتساب داده شده مبرا سازد زیرا همان که در مقدمه این رأی اعلام شده (صورت‌مجلس مورخ ۸۰/۵/۴) برقراری دفتر در لواسانات و در دفتر معاملات ملکی محرز است و مجموع اظهارات ایشان وجود عبارت «وکالت» روی دفتر مسکن مربوطه حکایت از صحت اعلام کمیسیون ماده ۵۵ قانون وکالت و تخلف انتظامی ایشان دارد و مدافعات بعدی ایشان مؤثر در مقام نیست.

در مورد عدم تجدیدنظرخواهی هم، دادگاه همانطور که در حکم قبلی استناد کرده است، مدافعات آقای... را نمی‌پذیرد زیرا به شرح مندرجات وکالت‌نامه مربوطه که مورد تکذیب آقای... واقع نشده است (برگ ۱۵ پرونده ۳۰۶/۸۳) حق تجدیدنظرخواهی برای ایشان پیش‌بینی شده و اقدام به تجدیدنظرخواهی علی‌رغم مدافعات ایشان نیازی به حضور موکلین برای امضای مجدد وکالت‌نامه نداشته است و فوت احد از موکلین نیز نمی‌تواند مستمسکی شود برای توجیه عدم اقدام به تجدیدنظرخواهی از ناحیه بقیه موکلین و عدم پرداخت هزینه نیز نمی‌تواند موجب صحت ادعا باشد زیرا حفظ حقوق موکلین برای وکلای دادگستری، و احقاق حق آنها، در اولویت بر مسایل مادی قرار دارد و نامبرده می‌توانست با تقدیم دادخواست تجدیدنظر از وکالت نامبردگان استعفا دهد در حالی که با تعلل باعث انتفاء حق تجدیدنظرخواهی موکلین خود شده است - (نظر آقای... ماده ۴۵ قانون آیین‌نامه دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب نیز جلب می‌شود) آقای... مرتب و مکرر مدعی شده‌اند که شکایت بلا دلیل است در حالی که

شکایت شکات مستند به متن دادنامه صادره از شعبه تجدیدنظر (برگ ۱ پرونده ۳۰۶/۸۳) و وکالتنامه ایشان (برگ ۱۵ همین پرونده) و مدافعات شخص مشتکی عنه است و این مدارک بر قناعت وجدانی محکمه کفایت دارد در حالی که اظهارات آقای.... در این مورد که با موکلین تماس گرفته و از آنها اسامی ورثه خواسته و مطالب دیگر در این راستا، مقرون به دلیلی نیست و تنها ادعای ایشان است و بس - در رابطه با ادعای آقای.... در این رابطه که اصولاً شکواییه موجود در پرونده ۳۰۶/۸۳ (برگ ۲ پرونده) شکایت انتظامی نیست نیز به نظر دادگاه استنتاج ایشان صحیح نیست زیرا عبارت سه سطر آخر شکواییه به شرح آتی است «... این نامه نه به عنوان شکواییه بلکه به عنوان در دل و احیاناً در صورت لزوم رسیدگی به اصل جریان برای شما نوشته شده تا اقلماً ایشان در آینده نسبت به عملکرد خود به دیگران تجدیدنظر کرده و حقوق مسلم دیگران را به ثمن بخش به دیگری نفروشد» از این عبارات اولاً اعلام شکایت احراز می‌گردد (به دلیل مفهوم تطابقی این عبارت و احیاناً در صورت لزوم رسیدگی به اصل جریان... با شکایت) ثانیاً برابر ماده ۶۲ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلا ریاست محترم کانون وکلا از هر طریقی که در جریان سوءرفتار و کیلی قرار می‌گیرد، می‌تواند مراتب را جهت تعقیب انتظامی وکیل مذکور به دادرسی انتظامی ارجاع دهد و شکواییه مذکور نیز برای ریاست محترم کانون وکلا نوشته شده و توسط جناب آقای.... معاون اول کانون وکلا که این گونه امور از نظر تقسیم کار در آن زمان از طرف ریاست محترم کانون به وی محول شده است به دادرسی ارجاع گردیده (پشت صفحه ۶ پرونده ۳۰۶/۸۳) و در جریان رسیدگی قرار گرفته است. نتیجتاً دادگاه از جهت عدم تجدیدنظرخواهی نیز تخلف انتظامی منتسب به آقای.... را محرز دانسته و با انطباق عمل ایشان در مورد تأسیس دفتر در لواسانات با ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت نامبرده را به مجازات انتظامی درجه ۳ موضوع ماده ۵۱ قانون وکالت یعنی توبیخ با درج در مجله رسمی و در مورد عدم تجدیدنظرخواهی با انطباق عمل با بند ۶ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلا ناظر به بند ۴ ماده ۵۱

قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ به شش ماه ممنوعیت موقت از اشتغال به حرفه وکالت محکوم می‌کند.

شماره دادنامه: ۲۹۰۲

تاریخ صدور رأی: ۸۴/۲/۲۹

شماره کلاس دادسرا: ۱۸۷/۸۲

مرجع رسیدگی: شعبه چهارم

شماره کلاس دادگاه: ۲۱۸/۸۲

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرای انتظامی و ثبت آن به کلاس ۱۸۷/۸۲ و صدور کیفرخواست سرانجام شعبه چهارم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

رأی دادگاه

باتوجه به حکایت پرونده شکایت شاکی آقای.... به شرح شکواییه ثبت شده در دفتر کانون وکلای دادگستری مرکز تحت شماره ۸۲/۴/۵۷۳۶۵، علیه آقای.... وکیل پایه یک دادگستری اجمالاً این است که اولاً: محل اشتغال آقای وکیل مشتکی عنه شهر ری بوده ولیکن نامبرده در شهر تهران و به نشانی سعادت آباد میدان کاج مجتمع تجاری سروستان طبقه چهارم پلاک ۴۱۸ دفتر وکالت دایر کرده و امور وکالتی خود را در تهران متمرکز کرده است، ثانیاً: نسبت به امر مختومه با تغییر شکل ظاهری طرح دعوای مجدد

کرده است حال آنکه آگاهی به مختومه بودن امر مورد دعوا داشته است، ثالثاً: علی‌رغم اطلاع از محل اقامت اینجانب در وکالتنامه تنظیمی با وکیلیم در پرونده اجرای احکام عمداً نشانی مرا در دادخواست تقدیمی خود محل دیگری عنوان کرده است تا با صدور رأی غیابی حق اینجانب تضییع گردد، رابعاً: علی‌رغم آنکه مبایعه‌نامه ارایه شده به پرونده مطروحه در شعبه ۱۳۱۲ دارای نوشته‌ای در ظهر بوده است، فتوکپی ظهر را عمداً ارایه نداده است. حال آنکه آقای وکیل شخصاً آنرا تصدیق کرده است، خامساً: از ابطال تمبر مالیاتی و پرداخت سهم صندوق حمایت وکلا و سهم هزینه کانون به میزان مقرر در پرونده‌ای که خواسته آن ۲۵۰ میلیون تومان و در پرونده دیگری که بهای خواسته آن سیصد و ده هزار تومان بوده است خودداری کرده است، البته این موضوع در لوایح بعدی شاکی اعلام شده است، متقابلاً وکیل مشتکی عنه (آقای...) ضمن تکذیب ورود تخلفات نسبت داده شده، در مقام دفاع در مورد شکواییه شاکی و دیگر موارد در مجموع اظهار داشته است. اولاً در پرونده‌های مورد اشاره شاکی همچنین پرونده‌های مشخص شده در جریان رسیدگی به شکایت در دادسرای انتظامی، دخالت نداشته است، ثانیاً وکالت در آدرس‌های ذکر شده در وکالتنامه تأسیس ننموده است. ضمن آنکه هر وکیلی می‌تواند محلی را برای ابلاغ اوراق به دادگاه معرفی نماید، ثالثاً تا زمان ممنوعیت و نیز محکومیت شاکی، در پرونده دخالت نداشته است و مدت ممنوعیت هم در سال ۸۰ تمام شده، همینطور فعالیت وکالتی خود را نیز در تهران متمرکز نکرده است و در حال حاضر پرونده‌های مفتوح وی به عدد ۷ نمی‌رسد، رابعاً از مبایعه‌نامه‌هایی که شاکی ادعا دارد ظهر آن حاوی نوشته می‌باشد اطلاع نداشته و آنچه برابر با اصل شده است نسخه‌ای بوده که ظهر آن بدون نوشته بوده است. الخ جناب آقای دادیار محترم انتظامی ضمن بررسی لازم و انجام تحقیقات مقتضی با دقت و حوصله‌ای در خور توجه نهایتاً و به شرح قرار تخلف صادره علاوه بر تخلفات نسبت داده شده در شکواییه شاکی به لحاظ نحوه مدافعات آقای وکیل مشتکی عنه و مفاد لوایح وی تخلفات دیگری نظیر

عدم رعایت نزاکت و بی‌احترامی، رفتار خلاف شئون وکالت و تخطی از راستی و درستی و نتیجتاً تخلف از سوگند را متوجه وکیل مذکور دانسته و نهایتاً با عنایت به موافقت جناب آقای دادستان محترم انتظامی ضمن برشمردن موارد شش‌گانه در کیفرخواست مصرحاً تخلفات آقای وکیل مشتکی عنه را «اعمال خلاف شئون، تخلف از سوگند از نظامات» برشمرده و براساس بند ۱۰ ماده ۸۰ و ماده ۳۹ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ناظر به ماده ۷۶ آن لایحه و نیز ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت تقاضای تعیین مجازات برای وکیل نامبرده را کرده است، با عنایت به مراتب مذکور و توفیق در موارد معنونه اولاً اگرچه استعمال پاره‌ای الفاظ و جملات و عباراتی نظیر «مرده شور با وکیل تفاوت دارد...» یا «شرافت و صداقت خود را تاکنون به کثافت حق‌الوکاله در پرونده‌های ناحق نیالوده‌ام...» از سوی آقای وکیل مشتکی عنه و نحوه استدلال وی برای موجه جلوه دادن اقدامات خود جداً شایسته یک وکیل دادگستری نمی‌باشد، ولیکن با عنایت به مفاد لایحه نه در مقام عدم رعایت نزاکت وی و بی‌احترامی نسبت به شاکی یا همکار وکیل و یا به طریق اولی جامعه وکالت بوده، خصوصاً آنکه شخص معینی را مخاطب این اظهارات قرار نداده است، بلکه تلاشی است برای موجه جلوه دادن اعمال و رفتار وکالتی خود (هرچند به گونه‌ای نامأنوس با اخلاق حرفه‌ای وکلای دادگستری و شأن وکالت و قضاوت)، با این وصف تسری بند ۱۰ ماده ۸۰ آیین‌نامه و یا اعمال و رفتار منافی شئون وکالت (بند ۱ ماده ۸۰) به موارد یاد شده با منظور واقعی از آن بندها انطباق ندارد. از این لحاظ حکم برائت مشارالیه از تخلف اعمال خلاف شئون صادر و اعلام می‌گردد. ثانیاً در مورد تخلف از سوگند که براساس استنباط از اقدامات آقای وکیل به «سعی در به انحراف کشانیدن مسیر رسیدگی» و نیز اعلام مطالب خلاف حقیقت و نداشتن صداقت و درستی و همکاری و عدم ارایه نسخه مبیعه نامه موردنظر و مورد درخواست جناب آقای دادیار محترم نسبت داده شده است، نیز اگرچه انتظار از هر وکیل دادگستری این است که همواره از خلاف‌گویی و

کتمان حقایق پرهیز نموده و جز به راستی و صداقت اقدام و عملی ننماید، ولی به صرف این انتظار شایسته و بجا، موجه نیست تکذیب وکیل تحت تعقیب نسبت به تخلف نسبت داده شده را که شرع و قانون آن را به طور کلی برای مدعی علیه و کسی که اتهامی متوجه وی شده است جایز دانسته به عنوان یک اتهام مستقل و جدید در نظر گرفته هر چند این دفاع مبتنی بر طفره رفتن از بیان حقایق یا کتمان پاره‌ای حقایق باشد، زیرا روشن نشدن حقایق فقط ممکن است مانع از مدلل گردیدن اتهام نسبت داده شده گردد و خود گناه (جرم یا تخلف) دیگری محسوب نمی‌شود خصوصاً که (جرم یا تخلف) محسوب نمودن این نحوه دفاع مستلزم مجازات بوده و موجب تهدید آزادی دفاع متهم می‌گردد. علاوه بر این ادعای آقای شاکلی بر اینکه نسخه دارای ظهرو نویسی مبایعه نامه مورد نظر وی نزد آقای وکیل بوده است (هر چند علی القاعده نیز فرض بر این است که اصل هر نوشته‌ای باید نزد ذینفع آن باشد)، در هر حال متکی به دلیل نبوده، مضافاً آنچه برابر با اصل شده است صفحه روی مبایعه نامه می‌باشد که شاکلی ایرادی نسبت به آن ندارد و ظهرو مبایعه نامه که خود صفحه دیگری است و باید جداگانه برابری آن با اصل تصدیق شود، تصدیق نشده است تا مورد ایراد قرار گیرد و بالاخره اینکه اگر وکالت آقای وکیل در تعداد پرونده‌های مورد اشاره جناب آقای دادیار محترم در سال‌های ۸۰ و ۸۱ فرض شود، این امر به خودی خود نمی‌تواند مبین خلاف واقع بودن این نکته از سوی آقای وکیل مشتکی عنه باشد که اظهار داشته است «تعداد پرونده‌های مفتوح وی در حال حاضر به عدد ۷ نمی‌رسد» بنابه مراتب موارد مذکور در بندهای ۳ و ۵ کیفرخواست نیز کفایت برای اثبات وقوع تخلف «خصوصاً تخلف از سوگند» از سوی وکیل مشتکی عنه نمی‌نماید از این حیث در موارد مذکور نیز حکم بر برائت وی صادر و اعلام می‌گردد. ثالثاً در مورد «ایجاد وسایط» علی‌الخصوص به کیفیت منعکس در گزارش خانم کارآموز محترم و قرار از تخلف صادره از آقای دادیار محترم نیز صرف نظر از اینکه موارد مذکور در گزارش تا چه اندازه با این عنوان انطباق داشته و اینکه با توجه به قانون وکالت و

آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری چه مجازاتی باید برای آن در نظر گرفته شود، در هر حال این گونه نقل قول‌های غیرمستند و غیرمدلل که بعضاً نیز مبتنی بر برداشت‌های شخصی گوینده می‌باشد نمی‌تواند عمل یا اقدام شخصی را مدلل داشته و اثبات کند، بنابراین در این مورد نیز حکم بر برائت وکیل مشتکی عنه صادر و اعلام می‌گردد، رابعاً درخصوص «دایر کردن دفتر وکالت و متمرکز کردن امور وکالتی در محلی غیر از محلی که برای آنجا پروانه وکالت دریافت کرده است»، اگرچه قبول وکالت حتی به صورت مکرر در محل یا محل‌های دیگری غیر از محل تعیین شده برای وکالت (که نقش شغل وکالت هم آن را اقتضا دارد)، به خودی خود تمرکز فعالیت‌های وکالتی در محل دیگر محسوب نمی‌شود، همچنین تعیین محلی برای ابلاغ اوراق در حوزه یک دادگاه به معنای تأسیس دفتر وکالت نمی‌باشد، و نیز اگرچه در پاره‌ای از موارد اعلام شده آقای وکیل مشتکی عنه دخالت نداشته یا حتی برخی از وکالتنامه‌ها وسیله وی امضا نشده‌اند و بالاخره پاره‌ای از موارد وکالت نامبرده نیز به علت گذشت مدتی بیش از دو سال تا تاریخ ورود شکواییه شاکی به دفتر کانون، مشمول مرور زمان گردیده‌اند، ولیکن با عنایت به اینکه الف) تعداد کثیری از وکالتنامه‌هایی که فتوکپی آنها به پرونده امر منضم گردیده و نامه آقای وکیل مشتکی عنه در آنها به عنوان وکیل درج گردیده است، صرف نظر از شمول مرور زمان نسبت به پاره‌ای از آنها، حاوی نشانی «محل اقامت» وکیل در محلی غیر از محل تعیین شده (یعنی شهر ری) بوده و تکراری بودن این موضوع همراه با عدم اشتغال به وکالت در محل تعیین شده، دلالت دارد بر برگزیدن محلی دیگر (یعنی تهران - سعادت آباد) به عنوان محل اقامت یا به عبارت دیگر مرکز عمده فعالیت.

ب) نسبت به پاره‌ای موارد نظیر مورد مربوط به وکالت از آقای.... موضوع وکالتنامه شماره ۹۱-۶ که دادخواست آن طی شماره ۲۷۲۴/۴۰ در تاریخ ۱۲/۷/۸۰ ثبت دفتر دادگاه‌های عمومی شده است، با وکالت از آقای.... موضوع وکالتنامه شماره ۳۹۵۵۸ که لایحه تقدیمی به شعبه ۱۳۱۲ دادگاه عمومی در اجرای دستور مورخ ۳۰/۴/۸۱ با

امضای آقای وکیل مشتکی عنه مؤید دخالت وی در آن پرونده می‌باشد، یا همچنین پرونده کلاسه ۱۹۸/۸۰/ج شعبه ۱۳۰۸ (موضوع دعوی آقای.... به طرفیت شاکی پرونده حاضر به خواسته مطالبه) که درج نام آقای وکیل مشتکی عنه در دادنامه مربوط به شماره ۸۴۰ مؤید دخالت وی در آن پرونده می‌باشد، یا پرونده مربوط به «الزام به تنظیم سند رسمی» به وکالت از آقای.... که دادخواست آن وسیله وکیل مشتکی عنه امضا شده و با شماره ۱۶۹۳۹۳-۱۴/۹/۸۱ در دفتر دادگاه‌های عمومی تهران ثبت شده است.

ج) دفاع آقای وکیل بر عدم دخالت در پرونده‌ها چندان درخور توجه نمی‌باشد زیرا در موضوعاتی که حق وکالت منفرداً یا مجتمعاً به دو وکیل داده شده است به نفس قبول وکالت و تنظیم وکالتنامه هر دو وکیل را بالقوه مجاز و مختار در دفاع از موکل قرار داده و بین آنها و موکلشان رابطه وکالتی ایجاد شده است، کما آنکه در خصوص پرونده کلاسه ۱۹۸/۸۰/ج شعبه ۱۳۰۸ دادگاه عمومی تهران وکالت‌نامه شماره ۱۷۹۸۸ نام آقای وکیل مشتکی عنه علی‌رغم انکار وی بر دخالت در پرونده، در دادنامه صادره به عنوان وکیل درج شده است، لذا با توجه به بندهای الف، ب و ج فوق، و گذشته از آنکه عدم تأسیس دفتر در محل تعیین شده خود نیز واجد وصف انتظامی و دارای مجازات می‌باشد که به علت عدم تقاضای مجازات از این حیث در کیفرخواست، دادگاه منصرف از اظهار نظر نسبت به آن می‌باشد، در هر حال تخلف آقای وکیل به نظر دادگاه ثابت و مشمول ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت می‌باشد. بدین جهت و با توجه به مجموع اوضاع و احوال و اینکه آقای وکیل مشتکی عنه فاقد سابقه انتظامی بوده و این اقدام هم در مرتبه اول می‌باشد، با اعمال یک درجه تخفیف و تنزل مجازات از درجه ۳ به درجه ۲ با عنایت به بند ۲ ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و ماده ۵۱ قانون وکالت حکم به محکومیت نامبرده به توییح با درج در پرونده صادر و اعلام می‌گردد. در مورد اشتغال به وکالت در آخرین محل خدمت نیز اگرچه در جریان رسیدگی و قرار احراز تخلف مورد اشاره واقع شده است، چون در کیفرخواست صادره

درخواست تعیین مجازات از این حیث نشده دادگاه مواجه با تکلیفی جهت اظهارنظر نمی‌باشد. خامساً در مورد عدم الصاق تمبر مالیاتی به وکالتنامه و عدم پرداخت سهم صندوق حمایت وکلا و کارگشایان و سهم هزینه کانون در پرونده‌های مطروحه در شعبه ۱۳۰۸ دادگاه عمومی به خواسته مطالبه مبلغ دویست و پنجاه میلیون تومان، و ۱۳۱۲ دادگاه عمومی به خواسته الزام به تنظیم سند رسمی مقوم به سه میلیون و یکصد هزار ریال، نیز اگرچه تمبر مالیاتی در پرونده باید براساس بهای خواسته (که سه میلیون و یکصد هزار ریال) تقویم شده است، محاسبه و الصاق شود، برای مرحله بدوی با کسر ۲۳۰ ریال تقریباً به میزان مقرر تمبر الصاق گردیده و سهام تعاون و کانون پرداخت شده است، ولی در پرونده اول با عنایت به اینکه دفاع آقای وکیل مشتکی عنه بر عدم دخالت در پرونده و اینکه وکیل دیگر پرونده اقدام به الصاق و ابطال تمبر نموده است موجه نمی‌باشد، زیرا صرف قبول وکالت و کمترین اقدام از سوی آقای وکیل دلالت بر اقدام وکالتی از سوی نامبرده دارد چه خاصه که در پرونده مورد اشاره حتی نام وی در دادنامه صادره نیز به عنوان وکیل درج گردیده است، همچنین پرداخت وجوه یاد شده مبتنی بر موازین قانون می‌باشد که حتی در موارد معلوم نبودن میزان حق الوکاله براساس توافق طرفین، می‌بایست به میزان مقرر براساس تعرفه (با ملاحظه خواسته یا بهای آن) پرداخت شود، به علاوه عدم اقدام کامل وکیل دیگر حتی با فرض توافق قبلی وکیل تکلیف وکیل مشتکی عنه را ساقط نمی‌نماید، بنابه مراتب چون عدم اقدام خصوصاً به کیفیت مرقوم در پرونده از مصادیق عدم رعایت موازین قانونی و تخلف از سوگند تلقی شده مشمول ماده ۳۹ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و بند ۳ ماده ۸۱ آیین‌نامه ناظر بر بند ۵ ماده ۵۱ قانون وکالت (که به لحاظ مغایرت بند ۵ ماده ۷۶ آیین‌نامه یاد شده به آن، و نیز ابطال بند ۵ ماده ۷۶ آیین‌نامه از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری همچنان لازم‌الاجرا می‌باشد)، و با اعمال یک درجه تخفیف نیز در این خصوص به جهت ذکر شده قبل و با عنایت به قسمتی از مدافعات آقای وکیل که عدم

تجربه وکالتی خود را علت پاره‌ای مسایل منعکس در پرونده برشمرده است، دادگاه با احراز تخلف، نامبرده را با استناد به بند ۴ ماده ۵۱ قانون وکالت به ۱۲ ماه (دوازده ماده) محرومیت از شغل وکالت محکوم می‌نماید. رأی صادره فقط در مورد توییح با درج در پرونده نسبت به آقای وکیل مورد تعقیب قطعی بوده و نسبت به بقیه موازد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه انتظامی قضات می‌باشد.

